

تأثیر متقابل سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی در حفظ نظم و امنیت

جاسم عطایی^۱

^۱دانشجوی دکتری (مسائل ایران)

نویسنده مسئول:

جاسم عطایی

چکیده

نظم و امنیت از گذشته‌های دور از مهم‌ترین و جدی‌ترین دغدغه‌های آدمی بوده است؛ این مسئله بالأخص با شکل‌گیری اجتماعات انسانی شکل خاصی به خود گرفته است. در این پژوهش نظم و امنیت با توجه به تأثیر متقابل پلیس و سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی گراست. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه کتب، مقالات، مجلات و اینترنت صورت می‌گیرد. نتایج حاکیست که: «هرقدر پلیس بتواند، صادقانه عمل کرده، با مردم احساس همدلی کند و خود را متعلق به آن‌ها بداند، اعتماد عمومی را بیشتر به خود جلب خواهد کرد، که ارتقای سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت. متقابلاً با بهبود یافتن سرمایه اجتماعی در جامعه، از میزان جرم و جنایت کاسته شده و از سردرگمی و فشارها نسبت به پلیس کاسته می‌شود، و پلیس می‌تواند وظایف خود را به‌صورت تخصصی‌تر و منسجم‌تر و بالطبع موفق‌تر انجام دهد، که این امر باعث افزایش اقتدار و مشروعیت پلیس در جامعه می‌شود».

واژگان کلیدی: نظم، امنیت، سرمایه اجتماعی، پلیس، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

مقدمه:

امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته، بر نقش و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی^۱ در بطن جامعه توجه و تأکید می‌شود. در پیشبرد منافع ملی، مصلحت عمومی، و در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سرمایه اجتماعی نقش فعال و بی‌بدیلی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی می‌تواند در حفظ نظم و امنیت در جامعه به یاری نهادهای سیاسی و دولتی یاری رساند. این امر منوط به استفاده بهینه و برنامه‌ریزی شده از آن می‌باشد که با استفاده از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن از جمله اعتماد، مشارکت، همکاری و رعایت حقوق یکدیگر در این هدف یاری‌رسان باشد؛ از طرف دیگر استفاده عریان از قدرت قهریه و نیروی انتظامی در حفظ نظم و امنیت^۲ شاید در کوتاه‌مدت بتواند موفق عمل کند، ولی در بلندمدت، نتایج زیان‌باری به همراه دارد؛ از این‌رو استفاده توأمان، منسجم، بلندمدت و برنامه‌ریزی شده سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی می‌تواند راهگشای بسیاری از معضلات اجتماعی باشد، و نه تنها به حفظ نظم و امنیت یاری رساند، بلکه موجبات افزایش نظم و امنیت در جامعه شود.

زمانی امنیت، برای مقابله با طبیعت و حیوانات وحشی معنی می‌داد، زمانی در مقابل هموعان خود و زمانی هم در مقابل تهدیدات حاصل از شرایط روحی و روانی. از این‌رو مفهوم نظم و امنیت یک امر نسبی است که همواره نسبت به زمان و مکان خاصی سنجیده می‌شود. از اهداف مهم این پژوهش شناخت و بررسی دقیق تأثیر متقابل پلیس و سرمایه اجتماعی است تا بتواند راهنمای سیاست‌گذاران و مجریان اجرایی در کشور باشد. از این‌رو در پی پاسخ‌گویی به این سوال هستیم که: سرمایه اجتماعی و پلیس چگونه در حفظ و ارتقای نظم و امنیت در جامعه به صورت متقابل تأثیرگذار هستند؟

در بررسی سرمایه اجتماعی، می‌توان آنرا، مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهای جامعه دانست که رعایت داوطلبانه آن از سوی مردم، کارکردی در جهت کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. سرمایه اجتماعی قواعد بازی در جامعه را تنظیم می‌کند و از این حیث یک نهاد غیررسمی محسوب می‌شود. (نادمی، ۱۳ بهمن ۱۳۹۲)

همان‌گونه که از عنوان پژوهش مشخص است، در این پژوهش به بررسی نظم و امنیت در پرتو روابط متقابل سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی می‌پردازیم، برای این منظور در ابتدا به تعریف و بررسی مختصر نظم و امنیت می‌پردازیم.

نظم در لغت به معنای آراستن، برپای داشتن، ترتیب دادن کار، چیزی را به چیزی پیوند دادن و رشته مروراید است. (شیخیان، ۱۳۸۰)

در رابطه بانظم تعاریف زیادی صورت گرفته است. و دیدگاه‌ها و برداشت‌های زیادی در رابطه بانظم اجتماعی و عمومی وجود دارد، که ما از تعاریف کلهر و پیرو در این زمینه استفاده خواهیم نمود.

رضا کلهر در رابطه با مفهوم نظم عمومی معتقد است: این مفهوم که در اصطلاح خاص خود به معنای نظم گسترده در اجتماع و یا نظم فراگیر برای عموم معنا می‌شود، بیشتر به معنای سامان خاصی است که در یک جامعه حکایت از قرار گرفتن اشیا و افراد با یک ترتیب خاص نسبت به یکدیگر دارد. این حالت که نشانگر نوعی وضعیت ویژه است، می‌تواند نظم عمومی معنا شود. (کلهر، ۱۳۸۸: ۸۸)

نظم اجتماعی نیز به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی، است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند. (پیرو، ۱۳۷۰: ۳۶۸)

امنیت که ریشه آن به واژه امن برمی‌گردد، یک کلمه عربی است؛ و به معنی در امان بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. معنای لغوی امنیت رهایی از خطر، تهدید، آسیب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضمانت است. (ماندال، ۱۳۷۹: ۴۴)

در هر صورت، نظم و امنیت دو مقوله‌ای هستند که همواره با همدیگر بیان می‌شوند، و دارای ارزشی که همراه هم به کار می‌روند، هستند.

¹ social capital

² Order and security

نظم و امنیت، لازم و ملزوم یکدیگرند جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت است و فقدان امنیت نشانگر بی‌نظمی اجتماعی است بر اساس نظریه‌های فروم، هابز، لاک نیچه و الستر نظم و امنیت اجتماعی به مثابه دوروی یک سکه دارای مسائلی متناسب با یکدیگرند. (امیری، ۱۳۸۷: ۸۹)

در اینجا باید به این نکته تأکید کنم که، نظم و امنیت مقوله‌ای نسبی هستند، یعنی بستگی به بخش، زمان و مکان خاص خود دارد، ما به بررسی نظم و امنیت در بخش اجتماعی، نسبت به امور داخلی، و در حیطه زمانی کنونی خواهیم پرداخت.

امنیت داخلی نوعی از امنیت است که مانند امنیت ملی دارای مرجعیت بوده و وضعیت اجتماعی را شامل می‌شود که شهروندان و ساکنان یک کشور قادر به بهره‌گیری از قانون در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود بدون فشارهای منفی باشند. فشارهای منفی شامل جرائم اجتماعی و نظامی مثل: خشونت، تروریسم، شورش‌های شهری و مهاجرت است. (وفادار و ریسی و انانی، ۱۳۹۰: ۱۱۶، به نقل از: ویکی‌پدیا، ۲۰۰۹: ۵)

نظم، امنیت و انضباط اجتماعی از جمله پدیده‌های پراهمیتی هستند که در دنیای امروز به‌عنوان شاخص‌های یک جامعه پایدار، پویا، رشد یافته و قانونمند یاد می‌شود. نظم و انضباط لازمه و زیربنای پیشرفت و ترقی کشور است، در سایه نظم، مردم احساس امنیت می‌نمایند. نظم و انضباط از اصول پذیرفته‌شده همگانی است و شرع مقدس نیز بر آن تأکید دارد. در قانون حفظ نظم و امنیت به پلیس واگذار شده است. (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰)

حفظ نظم و امنیت در سایه وجود نیروی انتظامی مقتدر، منظم و تعلیم‌دیده می‌تواند با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی نقش مهمی را در جامعه ایفا کند. در این پژوهش، نظم و امنیت را در سطح میانی بررسی خواهیم نمود.

همان‌گونه که بیان کردم، منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه از همدیگر متفاوت است و آن منابع در سه سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشک‌سالی، زلزله، سیل و...، در سطح فردی نیز روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های غیرمستقیم و مستقیم روزانه افراد، و در سطح میانی از عوامل سازنده احساس امنیت در جامعه شامل: روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضائیه، نظام پولی، نظام‌مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و... است. (رخشانی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶)

بر این اساس عوامل سازنده نظم و امنیت در سطح میانی، و آنهم کارکرد نیروی انتظامی است موردبررسی قرار می‌گیرد و تأثیر متقابل آن با سرمایه اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. برای بررسی بهتر موضوع نیاز می‌دانم به پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، اشاره‌ای کنم.

ردیف	عنوان مقاله	خلاصه و نتایج
۱	حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی، چالش‌ها و راهکارها	سلمان آدینه وند و طارق غنی فتحی(۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی، چالش‌ها و راهکارها» که به مطالعه نهاد نیروی انتظامی به عنوان مجری قواعد و برقرارکننده‌ی نظم و امنیت اجتماعی و ارتباط و تعامل آن با مردم پرداخته است. بر اساس نگرش این پژوهش، نیروی انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت مؤثر و کارآمد نیاز دارند که رابطه مطمئنی با شهروندان داشته باشند. در رویکرد جامعه‌محور امنیت صرفاً وابسته به سازوکارهای سخت‌افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات به باور و هنجارهای موردپذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثربخشی اقدامات قانونی است. (آدینه وند و غنی فتحی، ۱۳۹۴)
۲	عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تکیه بر نقش پلیس	شرافتی پور(۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تکیه بر نقش پلیس» ارائه می‌دهد که در نتایج آن عنوان می‌کند که؛ چنانچه تعامل پلیس و مردم از نوع گرم و متقارن باشد و مردم نتایج مشارکت خود را سودمند تلقی کنند، با واحدهای مختلف ناجا بیشتر همکاری می‌کنند. این موضوع موجب پیشبرد اهداف ناجا در حوزه امنیت عمومی خواهد بود. (شرافتی پور، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۶)
۳	بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی در شهر اهواز	نبوی و همکاران در سال ۱۳۸۷ پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی در شهر اهواز» باهدف بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی و شناسایی پاره‌ای از عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی ارائه نموده است. احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش به سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی، بررسی شده است. این تحقیق به روش پیمایشی انجام گرفته است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان داده که از مجموع عوامل مطرح‌شده، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش‌دهنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثر کاهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. (نبوی و همکاران، ۱۳۸۷)
۴	چشم‌انداز پلیس؛ امنیت و سرمایه اجتماعی	در سال ۱۳۸۸ مقاله‌ای توسط منیژه نویدنیا با عنوان «چشم‌انداز پلیس؛ امنیت و سرمایه اجتماعی» صورت گرفته است. در این پژوهش که با رویکرد به آینده و الزامات پلیس انجام گرفته است، و در این پژوهش، امنیت بخشی جامعه، در چشم‌انداز آینده موردتوجه است با پیچیدگی جامعه امروزی، گستردگی روابط اجتماعی، سیالیت اطلاعات، بلوغ شهروندی، بهره‌گیری از سرمایه‌های گوناگون حیات انسانی، سامانه امنیت و ساختار پلیسی، به مانند گذشته نخواهد بود و باید مبتنی بر چشم‌انداز آینده، تحقق پذیرد؛ از این رو، برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز آینده، باید شاهد تغییر در گفتمان امنیتی از مضیق به موسع و از پلیس حداکثری به پلیس حداقلی باشیم. (نویدنیا، ۱۳۸۸)
۵	نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت	فربیا شایگان در سال ۱۳۸۸ مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت» ارائه نموده است؛ بر اساس این پژوهش، که منتج از تحقیقی در همین زمینه است، به بررسی نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردمی می‌پردازد. در بخش نظری با بهره‌گیری از تئوری‌ها و تدوین ۴ فرضیه و در بخش تجربی به روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه محقق ساخته و حجم نمونه ۴۵ نفر از روسای کلانتری‌های تهران بزرگ، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان همکاری مردم با پلیس از دید پاسخگویان در حد متوسط و سرمایه اجتماعی پلیس به میزان زیاد است. با اثبات چهار فرضیه تحقیق مشخص شد که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت‌های محل، همکاری پلیس با مردم خصوصاً در ساعات غیر اداری و میزان احترامی که مردم بر پلیس می‌گذارند، همگی تأثیر به سزایی در افزایش همکاری مردم با پلیس دارد. (شایگان، ۱۳۸۸)

روش تحقیق:

نظم و امنیت مقوله‌ای است که از اهمیت زیادی برخوردار است؛ که در این پژوهش موردبررسی قرار می‌گیرد؛ رویکردهای متفاوتی به موضوع امنیت وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، رویکرد اجتماعی یا مدرن است. در این رویکرد امنیت و احساس امنیت در بستر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تبیین و تعریف می‌شوند. (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)

در این پژوهش ما به بررسی نقش سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی و تأثیر متقابل این دو در حفظ نظم و امنیت خواهیم پرداخت. از این‌رو، این پژوهش از نوع تبیینی می‌باشد و درصدد تبیین و یافتن پاسخی به سؤال پژوهش می‌باشد. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی گراست. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه کتب، مقالات، مجلات و اینترنت صورت می‌گیرد. در این روش با استفاده از مطالعه اسناد و متون به گردآوری اطلاعات می‌پردازیم. دلیل آن‌هم بهره‌گیری و استفاده از طیف گسترده‌ای از متون چاپی و در دسترس است که مستقیم و غیرمستقیم برای فهم و بررسی موضوع ضروری به شمار می‌آیند. و در برخی موارد تنها داده‌های در دسترس هستند. در این پژوهش از منابع موثق و مورداطمینان استفاده شده است. در این پژوهش به دلیل اینکه از روش‌های کیفی‌گرا استفاده می‌کنیم روش خاصی در نمونه‌گیری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. باین‌وجود بیشتر از «نمونه‌گیری نظریه‌ای» استفاده می‌کنیم. و از داده‌های جدید و متناسب با نظریه استفاده می‌کنیم. بر این اساس ابتدا به بررسی و تعریف و ارائه شاخص‌های سرمایه اجتماعی و سپس نیروی انتظامی، اهداف و وظایف آن می‌پردازیم و سپس تأثیر متقابل این دو در حفظ نظم و امنیت را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

سرمایه اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که نظم و امنیت را ارتقا می‌بخشد و جامعه‌ای سالم، آرام و مطلوب می‌سازد سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ماده خامی از جامعه مدنی است که از تعامل روزمره مردم به دست می‌آید و به ایجاد ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اصول اعتماد، همکاری متقابل و قواعد کنش اجتماعی می‌پردازد. (ذاکری هامانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵)

در گذشته، سرمایه اجتماعی نسبت به سرمایه اقتصادی کمتر مورد توجه و تأکید قرار می‌گرفت، اما اخیراً با توجه به مطالعاتی که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی صورت گرفته است، سرمایه اجتماعی از اهمیت و تأکید فراوانی برخوردار شده است، این مسئله تا جایی پیش رفته است که در برخی مطالعات و تحقیقات، توسعه اقتصادی و ملزومات آن را منوط به داشتن سرمایه اجتماعی مفید و مناسب می‌دانند.

در این رابطه تصور نمایید تعداد زیادی نیروی انسانی حول معدنی در دشت دورافتاده اجتماع نمایند. یعنی سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی و تا حدودی سرمایه‌های فرهنگی و ارتباطات فراهم گردد. ولی یک حلقه واسط که سرمایه‌های مطروحه را باهم متصل و فعال نماید هنوز مفقوده است و آن سازمان دادن نیروها، ایجاد اعتماد، ارتباط و حلقه بین نیروها و با محیط جدید است. درواقع فراهم آوردن زمینه‌ها، متصل کردن حوزه‌های اجتماعی- سیاسی در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، تحقق جامعه مدنی و برقراری تحکیم دموکراسی، سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۸، به نقل از: رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷، ۳۶)

در رابطه با سرمایه اجتماعی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن (همچون دیگر اصطلاحات علوم انسانی) تعاریف و دیدگاه‌های زیادی وجود دارد؛ از مهم‌ترین اندیشمندان این حوزه می‌توان به افرادی همچون فرانسیس فوکویاما، گیدنز، پیر بوردیو و پاتنام اشاره نمود. در زیر ما به صورت مختصر به برخی از تعاریف و دیدگاه‌ها این اندیشمندان اشاره خواهیم نمود.

پیر بوردیو^۱ در رابطه با انواع سرمایه به سه نوع سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند، و تقلیل انواع سرمایه به سرمایه اقتصادی را، که جهان مبادلات را به مبادله تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری می‌داند. از نظر او توضیح ساختار و کارکرد جهان اجتماعی غیرممکن است مگر آن که سرمایه نه فقط به همان شکلی که نظریه اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی

¹ Pierre Bourdieu

اشکال آن از نو شناخته و معرفی شوند. (بوردیو، ۱۹۹۷: ۱) به‌هرحال بوردیو، با تقسیم‌بندی اشکال سرمایه، دو مورد سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی را اشکال جدید سرمایه می‌نامد.

از دیگر اندیشمندان مشهور در این رابطه، فرانسیس فوکویاما^۱ است؛ فوکویاما سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آن‌ها موردبررسی قرار داده است. بنابراین تعریف او از سرمایه اجتماعی نیز طبعاً یک تعریف جمعی بوده و سرمایه اجتماعی به‌منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌گردد. (بحری‌پور و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۱)

ازنظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی یک هنجار اجتماعی است که همکاری دو یا چند نفر را تقویت می‌نماید؛ ازنظر او سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه هنجارهای موجود، در نظام اجتماعی که موجب بالا رفتن سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه تبادلات و ارتباطات می‌گردد. (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۸، به نقل از: رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷: ۳۶)

آنتونی گیدنز^۲، با بررسی سرمایه اجتماعی، اعتماد را مهم‌ترین مؤلفه آن می‌داند، و بر نقش اساسی آن در توسعه و نظم و امنیت اجتماعی جوامع مدرن تأکید می‌کند.

ازنظر گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن است، هر جا که سطح اعتماد بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرضه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است. (دوستی و فلاح، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

رابرت پاتنام^۳ نیز به بررسی سرمایه اجتماعی پرداخته است؛ این اندیشمند نیز، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و درنهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. (مداح و شریفی، ۱۳۹۰)

درهرصورت، پاتنام پس از تعریف سرمایه اجتماعی، آن‌ها، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از مفاهیمی همچون: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی می‌داند که سبب می‌شود ارتباط و مشارکت اعضای یک جامعه بیشتر شود و منافع متقابل آن‌ها را تأمین کند.

ما در این پژوهش تعریف فوکویاما از سرمایه اجتماعی را به‌عنوان تعریف مناسبی پذیرفته‌ایم که نسبت به تعاریف دیگر کامل‌تر است.

«سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجاییایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند». (بحری‌پور و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۴، به نقل از: فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲)

¹ Francis Fukuyama

² Anthony Giddens

³ Robert D. Putnam

در جدول زیر چکیده‌ای از تعاریف گوناگونی که از مفهوم سرمایه اجتماعی شده است را ارائه خواهیم نمود:

نظریه پرداز	تعریف	کارکرد/ هدف	سطح تحلیل
پاتنام	شبکه‌های روابط اجتماعی که مشخصه آن‌ها هنجارهای اعتماد و همیاری است	تسهیل کنش جمعی و کسب منفعت متقابل	مناطق، اجتماعات در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی
بوردیو	منابعی که دسترسی به کالاهای جمعی را فراهم می‌سازد	تولید سرمایه اقتصادی	رقابت‌های طبقاتی
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش‌های منطقی را تسهیل می‌کند	تولید سرمایه انسانی	افراد در زمینه‌های خانوار و دیگر اجتماعات
لین	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در روابط و شبکه‌های اجتماعی	تولید منابع قدرت و حفظ آن‌ها	افراد در شبکه‌ها و ساختار اجتماعی
فوکویاما	مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی	ترویج همکاری، کارایی اقتصادی	جوامع و فرهنگ‌ها
بیکر	منبعی که از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل حصول اند	تقویت بده بستان و کنش متقابل	گروه‌ها و سازمان‌ها
پاکستون	پیوستگی‌های عینی و ذهنی بین افراد	افزایش ظرفیت و قابلیت کنش	خرد، کلان
گیدنز	روابط اجتماعی در مقیاس‌های محلی و فر محلی مقوم نظم اجتماعی	نظم اجتماعی، کاهش فساد اجتماعی	محلی و جامعه

منبع: ازکیا و غفاری ۱۳۸۳

در این پژوهش، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی سرمایه اجتماعی که به آن‌ها اشاره خواهد شد، عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و انسجام اجتماعی، که به بررسی و نقش این مؤلفه‌ها خواهیم پرداخت. اگرچه در این بین بر نقش مؤلفه اعتماد اجتماعی تأکید بیشتری صورت می‌گیرد.

بر مبنای نظریه‌های کلمن، بوردیو، پاتنام و فوکویاما، اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت میزان اعتماد اجتماعی افزایش یافته و در نتیجه منجر به افزایش سرمایه اجتماعی در میان مردم خواهد شد که در این حال و بر اثر تعامل متقابل بین این دو متغیر، افزایش و رشد هر دو متغیر، افزایش میزان احساس امنیت اجتماعی را در پی خواهد آورد. (ذاکری هامانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹)

بوری بوزان، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزه اجتماعی و بالأخص امنیت اجتماعی است؛ وی معتقد است که امنیت اجتماعی به مقابله با خطرهایی می‌پردازد که به صورت نیروی بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کنند. از نظر بوزان امنیت اجتماعی، به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی (گروهی) او را سامان می‌بخشند؛ یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماع که فرد خود را به ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. از نظر ایشان، هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته، تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت دانسته، امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویت تلقی می‌کند. (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴، به نقل از: نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵)

بوزان، با بررسی زندگی افراد در حیطه امنیت، به تقسیم‌بندی جنبه‌های مختلف امنیت می‌پردازد و ویژگی‌های آن را برمی‌شمارد.

از نظر وی، امنیت اجتماعی بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی». (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

امنیت اجتماعی از نگاه بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی

قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. (حری‌پور و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۴، به نقل از: صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴: ۳۸)

دولت‌ها همواره درصدد حفظ و گسترش نظم و امنیت اجتماعی از هرگونه روش قانونی و معقول هستند؛ و آنرا خط قرمز خود قلمداد می‌کنند. هر عاملی که باعث برهم خوردن این نظم و امنیت شود، باید رفع شود؛ در رفع این بی‌نظمی و بی‌امنی، نقش نیروی انتظامی (پلیس) مورد توجه قرار می‌گیرد.

امروزه، هر دولتی و هر حکومتی برای حفظ و بقای خود می‌بایست دستگاه‌های اجرایی و نظارتی خود به‌ویژه نیروی انتظامی را که امر خطیر، حفظ نظم و امنیت را بر عهده دارد، جهت رفع این نیاز آماده سازد. (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۲)

نیروی انتظامی (پلیس) به‌عنوان اصلی‌ترین بازوی اجرایی دولت، در حوزه نظم و امنیت عمومی وظیفه ایجاد و حفظ نظم و امنیت را در کشور بر عهده دارد و وظیفه ساماندهی به هرگونه آشفتگی اجتماعی را در رأس کار خود قرار داده است. (محبوبی منش، ۱۳۸۵: ۲۴)

مطالعات زیادی در رابطه با نقش، وظایف، اهداف و ویژگی‌های پلیس در حوزه امنیتی صورت گرفته است؛ از مهم‌ترین مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است؛ مطالعاتی است که توسط هس و میلر صورت گرفته است.

هس و میلر با تقسیم‌بندی عملکرد پلیس در حوزه امنیت در سه دوره مشخص تاریخی، بر این اعتقادند که در جریان شکل‌گیری نیروهای پلیس در جوامع مختلف سه تغییر عمده در عملکرد آنان روی داده است. این تغییر الگوها به‌عنوان دروه‌های خاص عملکرد پلیسی توصیف می‌شود. در هر سه دوره، پارادایم یا الگوی خاصی حاکم بوده است که شامل دوره‌ی سیاسی، دوره‌ی پیشرو و دوره‌ی جامعه‌گرا می‌باشد. از نظر آن‌ها، دوره‌ی سیاسی تا ربع اول قرن بیستم ادامه یافت و زمانی بود که ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند، پارادایم حاکم بر دوره سیاسی، اقتدارگرایی^۱ است. پلیس در این دوره قوه‌ی سرکوبگر و قوه‌ی قاهره‌ای است که صرفاً عامل حفظ و حافظ طبقه‌ی مسلط می‌باشد. این دوره‌ی پلیسی، دوره‌ی اقتدارگرایی و توانمندی پلیس در عرصه‌ی امنیت جوامع بوده است. در دوره‌ی پیشروی، در این دوره، رابطه‌ی پلیس با جامعه از لحاظ حرفه‌ای دور بوده و سازمان پلیس به یک سازمان تخصصی تبدیل شد که هدف اصلی آن مبارزه با جرم و تبهکاران بود و به شیوه‌های پلیسی به تعقیب و سرکوب بزه‌کاران و کسانی که امنیت عمومی را به خطر می‌انداختند، می‌پرداخت. پارادایم حاکم بر دوره‌ی پیشرو، حرفه‌ای بودن پلیس است و بنابراین عده‌ای این دوره را دوره پلیس حرفه‌ای نام نهاده‌اند. ویژگی اساسی این دوره این است که پلیس به کنترل جرائم می‌پردازد. دوره‌ی سوم به عصر مشارکت پلیس با جامعه مشهور است. در دهه‌ی ۱۹۸۰ بسیاری از ادارات پلیس شروع به تجربه کردن افزایش مشارکت جامعه در مبارزه با جرم و جنایت کردند. عصر مشارکت با نام‌های متعددی نامیده شده و رایج‌ترین اصطلاح در این دوره کار پلیس با مشارکت جامعه است. پارادایم دوره‌ی سوم که با مفهوم مدرن امنیت سازگار هست، جامعه‌محوری است. فصل منطقی جامعه‌محوری، اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت توأم با همدلی و رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. (هادی، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۲)

در اهمیت نقش پلیس هیچ جای شک و شبهه‌ای وجود ندارد، و از ضروریات و بدیهیات در جوامع امروزی به حساب می‌آید. ولی آنچه در این‌بین مهم و قابل‌بررسی است، نقش و وظایف پلیس در جامعه در عصر حاضر است. آنچه باید در اینجا بر آن تأکید نمود، این است که آیا باید حیطه وظایف و عملکرد پلیس همچون دوره‌های سیاسی و پیشرو، فقط بر نقش قوه‌ی سرکوبگر پلیس به‌عنوان یک سازمان تخصصی نگاه کرد، یا اینکه باید نگاهی نو به آن انداخت. در این رویکرد پلیس به‌عنوان نقش مکمل در ایجاد نظم و امنیت عمل می‌کند و نقش اصلی بر عهده سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن است.

در حال حاضر، در نگرش جدید به حوزه نظم و امنیت، مهم‌ترین عاملی که می‌تواند به تولید امنیت در جامعه کمک کند، سرمایه اجتماعی است که هزینه‌های کنترل جامعه را کاهش می‌دهد و موجب تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود. بر این اساس ابزارهای درونی بیشتر از ابزارهای بیرونی می‌توانند در ایجاد امنیت مؤثر واقع شوند. در جوامع مدرن سرمایه اجتماعی موجب افزایش اعتماد و امنیت اجتماعی و توسعه پایدار می‌گردد. (سویزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

¹ Authoritarianism

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که نقش مهمی در ایجاد، حفظ و افزایش نظم و امنیت دارد، مشارکت اجتماعی است.

مشارکت اجتماعی، مشارکت در سطح مسائل اجتماعی است که در کنار حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... قرار می‌گیرد. در تعریف مشارکت اجتماعی گفته شده است: «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آن‌ها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه». (زارع و روهنده، ۱۳۹۴: ۶۸، به نقل از: انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲)

مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حوزه نظم و امنیت به معنای برجسته شدن^۱ و افزایش نقش شهروندان در ساختارهای نظام سیاسی، یعنی کار نظم‌بخشی و کمک به حفظ نظم است، مشارکت مردم در کمک و همکاری با نیروی انتظامی در حیطه وظایف آن یعنی برقراری نظم و امنیت نتایج و آثاری را در پی دارد، از جمله: تبدیل فرهنگ سیاسی تابعیت در شهروندان، و آمریت در پلیس به فرهنگ مشارکتی و مدیریتی، رضایت مردمی به عنوان مهم‌ترین منبع مشروعیت بخش عملکردهای انتظامی و افزایش اقتدار پلیس، ارتقای احساس امنیت در آحاد جامعه و استفاده از توان گسترده جامعه در برقراری نظم و امنیت می‌باشد؛ در اینجا مردم به تأمین و حفظ نظم و امنیتی مشارکت می‌کنند، که خود در ایجاد آن نقش دارند.

از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی است؛ بدون وجود آن، نظم و امنیت در جامعه با اخلال مواجه خواهد شد.

انسجام اجتماعی بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد؛ به عبارتی انسجام اجتماعی در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است. (نوابخش و فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵، به نقل از: افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

آنتونی گیدنز از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه پردازان حوزه سرمایه اجتماعی و بالأخص انسجام اجتماعی است؛ که به بررسی نقش آن در زندگی اجتماعی می‌پردازد.

بر اساس نظر گیدنز، برای دستیابی به انسجام اجتماعی، نمی‌توان صرفاً با اقدام از بالا به پایین دولت یا با توسل به سنت، انسجام اجتماعی را تضمین کرد. بر این اساس، ما ناچاریم زندگی را به شیوه‌ای فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین درست بود بسازیم و باید برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم و باید این راه تعادل جدیدی بین مسئولیت‌های فردی و اجتماعی بیابیم. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳)

اما مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی^۲ است که نقش مهمی در ایجاد نظم و امنیت ایفا می‌کند؛ اعتماد این توانایی را دارد که زمینه مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی را بالا ببرد، و سرمایه اجتماعی در جامعه را تاندازه‌ای تضمین کند.

اعتماد یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد، می‌تواند مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱)

اعتماد لازمه و از ضروریات مراودات اجتماعی است. و بدون تعامل، اعتماد هم بی‌معنی است. اعتماد عبارت از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماع بر اساس حس اعتماد به دیگران است. بر این اساس، که دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ داده و به روش‌های حمایتی دوجانبه عمل می‌کنند یا حداقل اینکه قصد آزادهی ندارند.

اعتماد در درون اجتماع معنی پیدا می‌کند، و یکی از ویژگی‌های جامعه سالم و با سطح نظم و امنیت بالا، وجود اعتماد بین اعضای آن اجتماع و جامعه است. مسلماً در این گونه جوامع سرمایه اجتماعی و دیگر مؤلفه‌های آن نیز در خدمت منافع و مصلحت جامعه است.

بر این اساس، اعتماد مبتنی بر توقعی است که فرد تمایل دارد که آن چیزی که انتظار دارد، اتفاق افتد. اصولاً اعتماد انتظار دوطرفه‌ای در درون یک جامعه معین است که در آن رفتارهای مشارکتی مبتنی بر هنجارها به صورت عرفی به وجود می‌آیند. وجود اعتماد و سرمایه

¹ highlight

² social trust

اجتماعی می‌تواند پایداری را در جامعه حفظ کند. به عبارت دیگر اعتماد مشخص می‌کند که هنجارها و شبکه‌ها در یک جامعه به‌خوبی پایدار هستند. (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵، به نقل از: Paldam and Svedsen, 2000: 342)

نقش سرمایه اجتماعی در حفظ نظم و امنیت

در عصر حاضر، سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن (انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی) نقش مهمی را در پیشبرد منافع و مصالح یک جامعه ایفا می‌کنند؛ و مسلماً نظم و امنیت و حفظ آن بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منافع و مصلحت یک جامعه است.

احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود، زمانی که فرد این احساس را داشته باشد که در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت می‌کند؛ این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تأمین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده و... تأمین می‌شود، بنابراین درجه اعتمادورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌گردد. (گروسی، ۱۳۸۶: ۳۰)

امروزه رابطه سرمایه اجتماعی و نظم و امنیت، یک رابطه مستقیم است که هر دو مقوله به هم وابسته‌اند، هر جا که میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد سطح نظم و امنیت هم بالاست، و برعکس هر چه سطح نظم و امنیت بالا باشد، میزان سرمایه اجتماعی نیز مسلماً بیشتر است؛ پیوتو زتومکا^۱، اندیشمندی است که در این رابطه، پژوهش‌هایی را ارائه نموده است.

زتومکا، پس از بررسی سرمایه اجتماعی، به بررسی اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه آن پرداخته است. وی در توضیح اعتماد میان شخصی اظهار می‌دارد که: «باریک‌ترین شعاع اعتماد در بین اعضای خانواده خودمان اسم است که فضایی مملو از صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم است؛ بر این اساس، اعتماد به افرادی است که مشخصاً آن‌ها را به اسم می‌شناسیم، رابطه چهره به چهره با آنان داریم مانند: دوستانمان، همسایه‌ها، شرکای تجاری و همکاران این نوع از اعتماد صمیمیت و نزدیکی قابل‌توجهی را می‌طلبد. (زتومکا، ۱۳۸۶: ۴۳)

وی سپس، مهم‌ترین نوع اعتماد در عصر حاضر را، اعتماد نهادی می‌داند که نقش مهمی را در نظم و امنیت در جامعه را ایفا می‌کند.

از نظر وی، اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها، است نهادهای نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، بنگاه‌های اقتصادی و... است. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌گردد. هم‌چنین نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه‌ای نامیده می‌شود. اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم سالارانه (انتخابات، نمایندگی، اکثریت آرا...) به‌عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافق‌ها در میان منافع متعارض، یا اعتماد به‌درستی فرآیندهای قانونی به‌عنوان بهترین ابزار نیل به داوری موجه و عادلانه. (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۳)

در هر صورت، اعتماد اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌ای است که سطح تعامل درون‌گروهی، و برون‌گروهی را افزایش می‌دهد؛ این سطح تعامل که حاصل اعتماد است، می‌تواند به زمینه‌ای در جهت ایجاد و حفظ نظم و امنیت در جامعه منجر شود.

اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم‌یافته در زمینه‌ای فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد و در شبکه‌های موجود در سطح فرافردی جریان می‌یابد بدین طریق اعتماد به اشخاص جای خود را به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی‌تر و گسترده‌تر می‌دهد که در سطحی وسیع‌تر از مرزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه‌ای قرار می‌گیرند. حوزه تعامل و ارتباط در اعتماد تعمیم‌یافته یا عام از سطح روابط و تعامل درون‌گروهی به تعامل بین‌گروهی ارتقا می‌یابد. (غفاری، ۱۳۸۳)

¹ Pyvtv Ztmka

نظم و امنیت هم یک پدیده اجتماعی است و هم مفهومی سیاسی؛ که هم نیاز به حمایت و اقتدار حکومت است، و هم همکاری و مشارکت و انسجام مردم را می‌طلبد. در زیر ما هم به نقش نهادهای حکومتی همچون نیروی انتظامی و هم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی خواهیم پرداخت.

تأثیر متقابل سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی در حفظ نظم و امنیت:

امروزه هر جا که صحبت از نظم و امنیت، صورت گیرد، اولین اصطلاح که ابتدا به ذهن خطور می‌کند و سپس به زبان آورده می‌شود، اصطلاح «پلیس» و یا نیروی انتظامی است. سؤال اینجاست که آیا پلیس به‌تنهایی توانایی ایجاد نظم و امنیت و آن‌ها در عصر کنونی (با وجود جهانی‌شدن، دنیای ارتباطات و...) را دارد؟ وظیفه شهروندان به‌عنوان فعالان و کنشگران اجتماعی در این میان چیست؟

نظم و امنیت همواره مورد تأکید و توجه حکومت‌ها، دولت‌ها و جوامع بوده است و خواهد بود، و به‌عنوان خط قرمزشان شناخته می‌شود.

نظم و امنیت عمومی به‌عنوان بخشی از امنیت داخلی کشورها، وظیفه حکومت در حفاظت از شهروندان، سازمان‌ها و نهادهای علیه تهدیدهاست تا روال بهینه و مصونیت اجتماعی‌شان تضمین گردد. این مفهوم مبارزه با مسائلی مانند: جرائم سازمان‌یافته، بیماری شایع، اتفاقات جدی، مصائب زیست‌محیطی، توقف خدمات اجتماعی و رفاهی که باعث اختلال در نظم و آرامش عمومی می‌شود، را شامل می‌گردد. (وفادار و ریسی و انانی، ۱۳۹۰: ۱۱۷، به نقل از: جاکوب، ۲۰۰۹: ۱۱)

در جمهوری اسلامی ایران، وظیفه صیانت، ایجاد و حفظ نظم و امنیت، در داخل کشور بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گذاشته شده است، آنچه در این رابطه قابل‌بیان است، تغییر و تحول در مفهوم نظم و امنیت در گذر زمان است؛ از همین رو وظایف و نگرش‌های حاکم بر نیروی انتظامی هم در رابطه بانظم و امنیت نیز در حال تحول است.

به‌عنوان مثال، ویژگی، فرهنگ سیاسی و عمومی ایرانیان تحت تأثیر تهدیدات مختلف درونی و بیرونی شکل خاصی به خود گرفته است. و این امر با رشد و گسترش شهرنشینی و ایجاد نهادهای اجتماعی جدید، مسأله امنیت در کشور نیز ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. به‌ویژه این که ایران همواره با مسأله گذار درگیر بوده است، وضعیتی که در آن جامعه نه کاملاً در حالت مدرن و جدید قرار دارد و نه کاملاً از شکل سنتی برخوردار است. شرایط گذار جامعه ملازم با تزلزل در ارزش‌ها و هنجارهای جاافتاده است که تبعات آن بر روی فرد و کلیت جامعه قابل تشخیص هست. تزلزل ارزش‌ها و هنجارها، تأثیر مستقیمی بر وقوع ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها، انحرافات، جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی به‌مثابه مظاهر مختلف ناامنی اجتماعی و هم‌چنین احساس امنیت اجتماعی دارد. (بحری‌پور و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۰)

پلیس (نیروی انتظامی) به‌عنوان بخش مهمی از نظام سیاسی یک کشور، وظیفه خطیر تأمین امنیت داخلی را بر عهده دارد. این نیرو از جمله ارگان‌های خدمت‌رسانی به آحاد جامعه برای تأمین امنیت تلقی می‌گردد. (نصیب، ۱۳۸۴: ۲۰۰)

پلیس به‌عنوان نیرویی که حفظ نظم و امنیت را اصلی‌ترین وظیفه خود می‌داند، بدون کمک مردم و نهادهای اجتماعی، به‌تنهایی توانایی حفظ نظم و امنیت در جامعه را در بلندمدت ندارد، و از این‌رو نیاز به مشارکت، انسجام و اعتماد مردم در قالب سرمایه اجتماعی دارد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان سازمانی که در میان سایر بخش‌های حاکمیت نزدیک‌ترین سطح تعامل و برخورد را با مردم دارد، این نیاز احساس می‌شود که در اجرای مأموریت‌های خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، بیشترین توجه را به مردم داشته باشد. چنین امری در سایه شناخت مناسب مقوله مشارکت‌دهی مردم در امر نظم عمومی و امنیت اجتماعی است و ثمره‌ی ارزشمند این امر، کسب اعتماد و جلب رضایت مردم و بالاخره دستیابی به احساس امنیت روانی است. (آدینه‌وند و غنی فتاحی، ۱۳۹۴: ۸۳)

در سال‌های اخیر، ضرورت استفاده از سرمایه اجتماعی در حفظ نظم و امنیت از سوی سیاستگذاران حوزه اجتماعی و اجرایی احساس شده است و در این رابطه مسئولان و مقامات انتظامی کشور درصدد استفاده از این سرمایه و مؤلفه‌های آن هستند. به‌عنوان نمونه مشارکت شهروندان با پلیس در حفظ نظم و امنیت مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

در این رابطه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر همواره درصدد رشد رفتارهای مشارکت جویانه مردم در حوزه امنیت عمومی بوده است. اهتمام نیروی انتظامی بر این پایه استوار شده است تا به اشکال و روش‌ها گوناگون اعتماد شهروندان را نسبت به عملکرد

خود، جلب و با نشان دادن کارآمدی، مشارکت مردم را در فعالیت‌های مربوط به حوزه نظم و امنیت افزایش دهد. از آنجایی که ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه وظیفه‌ای همگانی است، این امر مشارکت همه اقشار جامعه را می‌طلبد. هراندازه که مسئولین نیروی انتظامی و شهروندان تعامل بیشتری داشته باشند، به همان میزان عملکرد مطلوب‌تری در زمینه مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی خواهند داشت. (مرادی پردنجانی، ۱۳۹۳: ۲۶)

از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، انسجام و اعتماد هستند که نقش مهم و تأثیرگذاری در موفقیت نیروی انتظامی در حفظ نظم و امنیت دارند.

در جامعه‌ایی که اعتماد در حد مطلوب وجود دارد، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس درک و همدلی (انسجام) است تا احساس بیم و ترس، همچنین اعتماد به نظام‌های تخصصی، اعتماد به نظام‌های سیاسی در مشارکت‌های سیاسی اعتماد به نظام‌های اجتماعی در ارتباطات و پیوندهای گوناگون انسانی و... همگی نشان از ضرورت وجود این حس اساسی برای انسان امروزی است. (آجرلی و مشهدی، ۱۳۹۲: ۲)

محمدباقر قالیباف (شهردار تهران) در رابطه با نقش اعتماد اجتماعی بر این نظر است که:

«ستون و محور سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل است و اگر این اعتماد در جامعه از بین برود، حس تفاهم، دوستی و صداقت در کلیه مناسبات سیاسی و اجتماعی و مناسبات ارزشی متقابل در جامعه از بین می‌رود و اعتماد که یکی از اجزای ثروت ملت و وجود جامعه پایدار است در این روند، فرسایشی و نابود می‌گردد ولی باید اعتماد در جامعه در ۲ سطح افقی و عمودی ایجاد و پیریزی شود و علاوه بر اینکه مردم باید به یکدیگر اعتماد داشته باشند، حکومت و مردم نیز باید متقابلاً به هم اعتماد کنند در غیر این صورت جامعه هیچ ثباتی نخواهد داشت». (قالیباف، ۱۷ مهر ۱۳۸۸)

امروزه نقش و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است، که اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی نادیده گرفته شود می‌توان مدعی شد که آن جامعه فاقد مشروعیت است؛ دلیل آنهم می‌تواند این ادعا باشد که برای حفظ نظم و امنیت، پلیس به‌تنهایی و با استفاده از خشونت و عریان درصدد حفظ نظم و امنیت است.

بر این اساس، جامعه‌ای که متکی به قوه قهریه برای حفظ امنیت و نظم اجتماعی است، فاقد اعتماد و ناکارا در تحقق آزادی‌های مدنی تلقی می‌شود. افزایش تعداد نیروهای پلیس -هرچند که به‌طور موقتی باعث کاهش جرائم می‌شوند- بازرسان مالیاتی و ... حکایت از فقدان نظم اخلاقی و سرمایه اجتماعی دارند، چون بیرونی هستند؛ بنابراین درونی و نهادینه نمی‌شوند و با برداشتن و یا ضعف عوامل بیرونی نظم اجتماعی، نامنی دوباره احیاء می‌شود. امروزه امنیت اجتماعی پایدار در شرایطی محقق می‌شود که نظام اخلاقی بر روابط اجتماعی افراد حاکم باشد. این نظام اخلاقی علاوه بر شبکه‌ها و تشکلهای اجتماعی افقی، مشتمل بر اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان افراد در حیات اجتماعی و مدنی نیز هستند. (ذاکری هامانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱)

نیروی انتظامی که به‌عنوان مظهر اقتدار^۱ (قدرت مشروع) حکومت در درون جامعه محسوب می‌شود، و در جامعه از پذیرش همگانی برخوردار است، اقتدار آن باید دوسویه باشد، هم از سوی حکومت و هم از سوی جامعه موردپذیرش قرار بگیرد.

اقتدار، به معنی نفوذ بر رفتار دیگران است بر این اساس اقتدار، قدرت مشروعی است که رهبری جامعه یا طبقه فرادست با تکیه بر این قدرت مشروع دارای آمریت هستند و رهروان جامعه یا طبقه فرودست به‌واسطه پذیرش قلبی و عقلی آن قدرت مشروع را با رضایت خاطر بر آن گردن نهند، به‌گونه‌ای که این نفوذ آگاهانه و با مطلوبیت و محبوبیت همراه باشد و قبول آن از سوی افراد تحت نفوذ ارادی است، نه از روی اجبار. (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

در هر صورت، امروزه روابط و تأثیرگذاری متقابل پلیس و سرمایه اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار هستند که جای هیچ‌گونه بحث و تردیدی در آن نیست. این مسئله در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و برخی از کشورهای آسیایی از جمله ژاپن و کره جنوبی نمود واقعیتی غیرقابل انکار دارد.

¹ Authority

با نگاهی گذرا به جوامعی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند، ملاحظه می‌شود که مردم آن کشورها از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

احساس می‌کنند که جزئی از جامعه هستند؛

آن‌ها احساس می‌کنند که افرادی سودمند هستند و می‌توانند کمکی واقعی به جامعه بنمایند؛

در شبکه‌های اجتماعی محلی و در سازمان‌ها مشارکت فعالانه‌ای خواهند داشت؛

غریبه‌ها را به‌خوبی در خود می‌پذیرند؛

شبکه‌های مبتنی بر روابط متقابل زیادی انجام خواهد شد؛

مردم نسبت به آنچه هستند و دارند احساس ارزشمندی می‌کنند. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷)

این سطح از سرمایه اجتماعی، استفاده پلیس از خشونت در برقراری نظم و امنیت را به پایین‌ترین میزان ممکن می‌رساند؛ این امر نه تنها از اقتدار پلیس نمی‌کاهد، بلکه به خاطر پذیرش همگانی بر مشروعیت و اقتدار آن می‌افزاید؛ همچنین نقش پلیس را در جامعه بیشتر به‌صورت مکمل در ایجاد نظم و امنیت در جامعه نمایان می‌سازد، و عملکرد خود را در این حوزه بهبود می‌بخشد. این امر تا جایی ادامه می‌یابد که نقش سرمایه اجتماعی را تا حد پلیس در سطح اجتماعی افزایش می‌دهد و در مقابل از پلیس، به‌عنوان سرمایه اجتماعی نام‌برده می‌شود؛ و بر اقتدار آن افزوده می‌شود.

بر این اساس، سرمایه اجتماعی پلیس به دو صورت بر روی نظم و امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یکی اینکه هرچقدر اعتماد و آگاهی مردم نسبت به پلیس و فعالیت‌های آن بیشتر شود زمینه مشارکت آن‌ها بالاتر می‌رود. اولین پیامد آن پوشش فقر اطلاعاتی احتمالی پلیس در زمینه آسیب‌های اجتماعی و جرائم مختلف است. این امر خود باعث کاهش انواع هزینه‌ها برای پلیس می‌شود. از طرف دیگر هرچقدر سرمایه اجتماعی پلیس نزد مردم بالاتر رود، میزان کنترل اجتماعی درونی افزایش می‌یابد و شکل کنترل بیرونی پلیس کاسته می‌شود. این امر پلیس را نه تنها به‌عنوان بخشی از مردم و نه‌قسمتی از حکومت که وظیفه آن ایجاد امنیت برای مردم است معرفی می‌کند که درواقع تحقق شعار پلیس جامعه‌محور است. در این حالت با افزایش میزان اعتماد، سرعت عملکرد، بهبود وضعیت آماری و بهبود عملکرد را در نزد پلیس برای مهار جرائم خواهیم داشت و نتیجه چنین امری افزایش امنیت اجتماعی است. (بیات، ۱۴ مهر ۱۳۹۴)

با افزایش عملکرد پلیس (که سطح بالای سرمایه اجتماعی در جامعه نیز در آن مؤثر بوده است)، همکاری و مشارکت مردم با پلیس نیز افزایش می‌یابد، از آن‌سو انسجام بین مردم و پلیس در برقراری نظم و امنیت نیز افزایش می‌یابد، و این میزان از مشارکت و انسجام به‌خودی‌خود، سطح اعتماد را نیز افزایش می‌دهد.

استون، در این رابطه بر نقش و تأثیرگذاری اعتماد تأکید می‌کند، از نظر وی، اعتماد به‌نظام سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی تشکیل می‌دهند که این موضوعات هم به رژیم سیاسی و هم به متصدیان اقتدار در جامعه برمی‌گردد. برخی اعتماد به‌نظام سیاسی را به دو بخش حمایت خاص و حمایت عام تقسیم می‌کنند که منظور از حمایت خاص، رضایت از عملکرد حکومت و اجرای اقتدار سیاسی است، درحالی‌که حمایت عام به نگرش مردم نسبت به رژیم و موضوعات سیاسی آن برمی‌گردد. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸)

بر این اساس با افزایش نقش سرمایه اجتماعی در حفظ نظم و امنیت، قدرت پلیس نیز از آن حالت سنتی خود جدا شده و به‌صورت پلیس جامعه‌گرا نمایان می‌شود، که این مسئله سبب می‌شود که بر اقتدار آن افزوده شود.

از این‌رو پلیس جامعه‌گرا، دارای وظایفی متناسب با اوضاع و احوال جدید می‌یابد که مهم‌ترین هدف آن، جلب مشارکت عمومی در راستای حل مشکلات جامعه است. مشارکت از طریق همبستگی مبتنی بر نیاز دوجانبه و شیوه حل مشکل شکل می‌گیرد و در این راستا؛ پلیس برای توفیق در انجام وظیفه با شهروندان و سایر دستگاه‌ها و تشکیلات مشارکت می‌کند. چراکه معتقد است امنیت یک تولید جمعی است که بدون مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی محقق نمی‌گردد. (آدینه‌وند و غنی فتحي، ۱۳۹۴: ۸۳)

همچنین پلیس جامعه‌گرا، دارای ویژگی‌هایی از قرار زیر است:

- ۱- تمرکززدایی از اقتدار و راهبردی نگهبانی (گشت زنی) به‌منظور تقویت روابط بین پلیس و شهروندان؛
 - ۲- تعهد به برقراری نظم با رویکرد مسئله محور؛
 - ۳- فراهم آوردن فرصت لازم برای مشارکت عموم مردم در تعیین اولویت‌های کاری پلیس و تاکتیک‌ها؛
 - ۴- توانمندسازی اجتماع به‌منظور کمک به رفع و حل مشکلات جرم و بی‌نظمی از طریق حمایت از برنامه‌های پیشگیری از جرم. (آدینه‌وند و غنی فتحي، ۱۳۹۴: ۸۷)
- پلیس با استفاده از هر دو روش محتوایی و شکلی نقش بسزایی در بالا بردن سطح مشروعیت و اقتدار خود دارد؛ رفتار پلیس با مجرمان و متهمان در خیابان و مناظر عمومی (شکلی و ظاهری)، و قانون‌گرایی و اصل انصاف (محتوایی) می‌تواند سرمایه اجتماعی را بالا برده و شرایط همکاری مردم با پلیس را فراهم آورد.
- امروزه زبان و کلام پلیس (ظاهری) که عناصر نحوه برخورد پلیس را تشکیل می‌دهد مهم‌ترین ابزار پلیس جهت ایجاد ارتباط با مردم می‌باشد؛ و از این‌رو ضرورت دارد پلیس رفتاری مناسب، تکلم صحیح و بانزاکت همراه با خویشتن‌داری و سعه‌صدر، زمینه‌ها و توسعه مشارکت مردم را فراهم نماید. (آدینه‌وند و غنی فتحي، ۱۳۹۴: ۹۰) این امر می‌تواند سطح اعتماد اجتماعی بین مردم و پلیس را در جامعه افزایش دهد. در این رابطه سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بر این نظر است که:
- « ایجاد اعتماد دوجانبه بین پلیس و جامعه موجب می‌شود که مردم کمتر از پلیس هراس داشته باشند انتظارات متقابل مردم به پلیس از یکدیگر برای دستیابی به امنیت و رفاه اجتماعی باید معقول و با امکانات و شرایط پلیس سازگار باشد جامعه باید از واقعیت‌های مربوط به محدودیت‌های پلیس و اهمیت مربوط به دخیل بودن مردم در سرنوشت جامعه آگاه شود و پلیس خدمت برای مردم و جلب رضایت آنان را در صدر فعالیت‌های خود قرار می‌دهد». (احمدی مقدم، ۱۵ مهر ۱۳۹۱)
- در این رابطه نهادها و سازمان‌هایی که در جامعه وجود دارند باید زمینه همگرایی بیشتر مردم و پلیس در قالب سرمایه اجتماعی را جهت ایجاد نظم و امنیت افزایش دهند، برخی با اصلاح قوانین و برخی با تبلیغات و اشاعه فرهنگ می‌توانند در این جهت شرایط لازم را فراهم نمایند.
- مثلاً دستگاه‌های قانون‌گذاری با حذف یا اصلاح قوانین و مقرراتی که در آن‌ها تبعیض و نابرابری وجود دارد؛ دستگاه‌های قضایی با اجرای صحیح عدالت و انصاف و مر قانون، و پرهیز از اموری که سرمایه اجتماعی جامعه را هدف قرار می‌دهد، و همچنین صداوسیما و رسانه‌ها در راستای گسترش مشارکت رسمی و غیررسمی در تمامی حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ می‌توانند نقش مهمی را در این زمینه ایفا نمایند.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش به بررسی متقابل نقش سرمایه اجتماعی و نیروی انتظامی در ایجاد، و حفظ نظم و امنیت پرداختیم. نظم و امنیت از گذشته‌های دور از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان بوده است؛ این مسئله بالأخص با شکل‌گیری اجتماعات انسانی شکل خاصی به خود گرفته است. با گسترش شهرنشینی و شکل‌گیری شهرهای بزرگ و متحول‌شدن و تخصصی‌تر شدن نیروهای انتظامی، نقش مؤلفه‌ها و منابع اجتماعی همچون اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی نیز اهمیت یافت. این موضوع در جامعه و کشور ما نیز از اهمیت و تأکید ویژه‌ای برخوردار است. در این رابطه پلیس به‌عنوان حافظ نظم و امنیت در جامعه با استفاده از سرمایه اجتماعی نه تنها می‌تواند در کوتاه‌مدت در این امر موفق عمل کند، بلکه می‌تواند در بلندمدت با استفاده از سرمایه اجتماعی حاکم در جامعه موفق باشد. سه مولفه‌ای که بیشترین نقش و تأثیر در سرمایه اجتماعی را دارد، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی است که می‌تواند با همراهی نیروی انتظامی (پلیس) توأما نظم و امنیت را در جامعه حفظ نمایند.

امروزه پلیس با توجه به نقش سرمایه اجتماعی می‌تواند به مشارکت در جهت حفظ و ارتقای نظم و امنیت جامعه کمک کند. در این نوع مشارکت که با توجه با بروز مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه، طرح راه‌حل‌های رفع معضلات و افزایش آگاهی نسبت به آن‌ها اهمیتی دوچندان یافته است. همچنین همبستگی، انسجام ملی و عمومی و نیز آرامش گسترده، حاصل از تعامل پلیس و مردم می‌تواند در جهت ارتقای نظم و امنیت در جامعه یاری‌رسان باشد. با توجه با این امر، هر قدر پلیس بتواند، صادقانه عمل کند، با مردم احساس همدلی کند و خود را متعلق به آن‌ها بداند، اعتماد عمومی را بیشتر به خود جلب خواهد کرد. در هر صورت، پلیس به‌عنوان یکی از سازمان‌های مهم حکومتی مطرح و برقرارکننده نظم و امنیت است، لذا در کنار سایر نهادهای سیاسی قرار می‌گیرد، که با توجه به این امر می‌تواند به ایجاد جو صمیمانه، مشارکت‌جویانه و قابل‌اعتماد در بین شهروندان در جهت افزایش احساس انضباط اجتماعی و امنیت عمومی مؤثر واقع شود. با بهبود یافتن سرمایه اجتماعی در جامعه، از میزان جرم و جنایت کاسته شده و از سردرگمی و فشارها نسبت به پلیس کاسته می‌شود، و پلیس می‌تواند وظایف خود را به‌صورت تخصصی‌تر و منسجم‌تر و بالطبع موفق‌تر انجام دهد، که این امر باعث افزایش اقتدار و مشروعیت پلیس در جامعه می‌شود و همکاری، مشارکت و اعتماد مردم به پلیس را در پی دارد، این امر به‌صورت چرخه‌ای عمل می‌کند و به تأثیرگذاری متقابل بیشتر پلیس و سرمایه اجتماعی در جهت حفظ و ارتقای نظم و امنیت در جامعه می‌انجامد.

فهرست منابع:

- آدینه‌وند، سلمان، طارق غنی فتحی (۱۳۹۴)، حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی، چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان.
- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۹۱)، مفهوم اقتدار پلیس، ۱۵/۰۷/۱۳۹۱، کد مطلب: ۷۷۳۲۸، منبع:
<http://siasatrooz.ir/vdcg7w9u.ak9ux4prra.html>
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۷۸)، خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۷)، بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، چاپ اول.
- انصاری، حمید (۱۳۸۳) نظریه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بحری‌پور، عباس، ابوالفضل ذوالفقاری (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و تبیین رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان کاشان)، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره هشتم، پائیز.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه در: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۹۴)، سرمایه پلیس چیست؟، خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۴۰۷۱۴۰۹۲۳۵، ۱۴/۰۷/۱۳۹۴.
- پوراحمد، احمد، محمود عیوضلو، محبوبه حامد، داود عیوضلو، فرشته رضایی (۱۳۹۱)، بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی (مورد مطالعه: شهرستان کوه‌دشت)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره اول، بهار.
- پورموسوی، سید موسی، دنیا عباسی کسبی، حیدر واحدی (۱۳۹۲)، تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت اجتماعی شهر. مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهر تهران، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه گلستان، سال سوم، شماره مسلسل دهم، زمستان.
- پیرو، آلن (۱۳۷۳)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات موسسه کیهان.
- تاجران، عزیزالله و کلاکی، حسن (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره چهارم.
- ترویج بی‌اعتمادی در جوامع پیشرفته، کد خبر: ۱۴۱۷۲، ۲۱/۱۱/۱۳۹۶، منبع:
<http://www.shahrekhavar.com/analysis/151827900056112>
- حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۶)، تبیین رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۷، پاییز.
- خورشیدوند، رحیم (۱۳۸۸)، بررسی نقش مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در برقراری نظم و امنیت، دوم‌نامه توسعه منابع انسانی پلیس، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه‌بودجه ناجا، شماره ۲۵، سال ۶.
- دعاگویان، داود (۱۳۹۳)، جایگاه و نقش تعاملات اجتماعی پلیس در جلب مشارکت‌های مردم در طرح‌های انتظامی و امنیتی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره سوم، پاییز.

- دوستی، ایرج، علی فلاحتی (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در میان اقوام، اقشار و پیروان مذاهب، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان.
- ذاکری همامانه، راضیه (۱۳۹۰)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- ذاکری همامانه، راضیه، سیدعلیرضا افشانی، عباس عسکری ندوشن (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳.
- ربانی، رسول، ادیبی، مهدی و زهرا طاهری (۱۳۸۸)، تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- رحمانی، محمود و کاوسی، (۱۳۸۷)، اسماعیل، اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
- رخشانی نسب، حمیدرضا، حسین ابراهیم‌زاده آسمین، حمیده اسفندیاری مهنی (۱۳۹۶)، تحلیل تأثیر عملکرد پلیس بر میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر جیرفت، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۹، بهار.
- رستمی، فرزاد، سمیرا رستمی (۱۳۹۶)، اعتماد و احساس امنیت در مناطق مرزی استان کرمانشاه (بررسی موردی: شهرستان‌های پاوه و جوانرود)، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۱، شهریور.
- رهبر، عباسعلی، فاطمه حیدری (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۴ - شماره پیاپی ۱۵، بهار.
- زارع، بیژن، مجید روهنده (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۲، تابستان.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، اعتماد نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، نشر شیرازه.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷)، تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی، شماره ۱۶، تابستان.
- سلیمی، اکبر، عباس خورشیدی، نوذر امین صارمی، حسین ذوالفقاری (۱۳۹۵)، الگوی تعاملی - ساختاری ناجا در برقراری نظم و امنیت با رویکرد پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، تابستان.
- سوزی، محسن، فریبرز محمدی (۱۳۹۰)، نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، فصلنامه ره نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، بهار.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۲، شماره ۱، بهار.
- شیخیان، علی (۱۳۸۰)، نظم و انضباط، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی.
- فیلد، جان، (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه‌ی جلال متقی، تهران، مؤسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۸)، نظم و امنیت؛ بستر تحقق پیشرفت و عدالت، ۱۷/۰۷/۱۳۸۸، کد مطلب: ۹۲۴۱۵، منبع: <http://www.hamshahrionline.ir/details/92415/Iran/politics>.
- کلهر، رضا، (۱۳۸۸)، درآمدی بر امنیت انتظامی، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

- گروسی، سعیده، میرزایی، جلال و احسان شاهرخی (۱۳۸۶) بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۲.

- ماندال، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ دوم.

- محبوبی منش، حسین (۱۳۸۵)، تأملی کوتاه درباره آسیب های اجتماعی به عنوان مسأله امنیت عمومی، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره سوم.

- مداح، مجید، نوید شریفی (۱۳۸۹)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۳، شماره ۳.

- مرادی پردنجانی، حجت اله، ساناز مطلبی (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای بسیج در ارتقای نظم و امنیت اجتماعی جامعه (مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۴، پاییز.

- مرادی پردنجانی، حجت الله، حسن رضا رفیعی، حمیدرضا سعید زاده، عباس ریسی سرتشنیزی (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ مشارکت دانش آموزان با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان.

- نادمی، یونس (۱۳۹۲)، بررسی روند سرمایه اجتماعی در ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۳۱۲۶، شماره خبر: ۷۸۲۷۵۲، ۱۳۹۲/۱۱/۱۳.

- نبوی، سید عبدالحسین، علی حسین حسین زاده، سیده هاجر حسینی (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی -اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم.

- نوابخش، مهرداد، آمنه فیروزآبادی (۱۳۹۱)، انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۵، زمستان.

- نوید نیا، منیژه (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، بهار.

- هادی، صلاح‌الدین (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس در جهت حفظ نظم و امنیت مطالعه موردی: شهروندان شهرستان ارومیه، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، <http://scholar.conference.ac/index.php/download>.

- وفادار، حسین، رضا ریسی وانانی (۱۳۹۰)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره دوم، سال چهارم، تابستان.

- یارمحمدی، فاطمه (۱۳۹۵)، همه با هم برای امنیت و آرامش، خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۲۲۵۵۲۴۱، ۱۳/۰۷/۱۳۹۵.